



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۲۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لینه چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۳ رمضان المبارک ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قرات</p>

# فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت و اخذ رای بقابل توجه بودن طرح قانونی معادن و تصویب و ارجاع آن به کمیسیونهای قوانین مالیه و فوائد عامه	۴۱۲	۴۱۳
۲	قرائت و مذاکرات نسبت بقابل توجه بودن طرح قانونی استعمال البسه وطنی از طرف شاگردان مدارس و استرداد آن از طرف مخبر کمیسیون مینکرات	۴۱۳	۴۲۲
۳	قرائت و مذاکره نسبت بمخبر کمیسیون بودجه راجع بمخبر شور اول کمیسیون قوانین مالیه راجع به آزادی ورود نقره و تصویب ورود در شور ثانوی لایحه مزبور	۴۲۲	۴۲۲
۴	قرائت پیشنهاد چند نفر از آقایان نمایندگان راجع به تشکیل جلسات مجلس در ایام رمضان مواقع عصر ورد پیشنهاد مزبور	۴۲۲	۴۲۲



# مذاکرات مجلس

## دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس لایحه چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۳ رمضان المبارک ۱۳۴۷

### جلسه ۲۷

(مجلس سه ساعت و یک ربع از شب گذشته براست آقای دادگر تشکیل گردید) (صورت مجلس پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه را آقای اوردنگ قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: حیدری - خطیبی - سید کاظم - دهستانی  
 آشتیانی - مفتی - فرخی - وفاق قزوینی - ارستانی -  
 اعتبار - تیمور ناس -





عده از نمایندگان - (با همه) صحیح نیست .  
 عباس میرزا - بواسطه اینکه قوانین که میگذرد از  
 مجلس باید در اجرای آن فکر کنیم که پیش برود و  
 اصلاح قانون را برای آن يك مجازاتی معین میکنند که  
 آن قانون اجرا شود. مثلاً در ادارات یا در مجلس شورای  
 ملی يك جریمه در مقابل او هست ولی شاگردهای مدرسه  
 یا اولیای آنها را نباید مقید کرده به يك قانونی که  
 فرجام اجرای آن برای وزارت معارف مشکل خواهد بود  
 و هم مردم را به يك اشکالی بگذاریم قبل از اینکه وسائل  
 برای آنها فراهم بیاوریم و اگر هم باشد بنده میدانم در  
 هر حال شاگردان مدارس با عموم ملک چه تفاوتی دارند  
 شاگرد مدرسه باید درس چه تفاوتی باید داشته باشد . شاگرد  
 مدرسه بیوشد ولی پدرش بیوشد ؟ بعقیده بنده این را  
 نباید طرح قانونی کرد اینجا باید به وزارت معارف یا  
 به کلیه وزارتخانهها يك تذکری داد که وسائل اینکه البته  
 برور در تمام مملکت و در تمام طبقات وطنی باشد فراهم  
 نمایند نه اینکه ما يك قانونی بگذاریم فقط باید این  
 مذاکراتی که اینجا میشود يك تذکری باشد برای وزارت  
 معارف که از وسائلی هست و میتوانند بایک کارخانچائی  
 کنار بیایند و شاگردان مدارس را تدریجاً البسه شان را  
 وطنی نمایند بدون يك قانونی و يك تبصره و يك مقدماتی  
 این است که بنده معتقد نیستم مجلس به این رای بدهد  
 رئیس - آقای عدل - موافقید .

عدل - مخالفم .

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - اغلب آقایان نمایندگان محترم متذکر  
 و متوجه هستند که بایستی حتی المقدور موجبات ترویج  
 مصنوعات داخلی را که بهر شکل ممکن است فراهم نمود  
 (همه نمایندگان)

کازرونی - ولو به بیرون کردن شاگرد هم از مدرسه  
 باشد .

احتشام زاده - یکی از مسائلی که ممکن است به ترویج  
 مصنوعات داخلی کمک کند الزام افراد است حتی المقدور

بسیار سهل انگاری کنیم و يك قانونی که وضع  
 شد است مراقبت در اجرائش نکنیم البته اجرا نمیشود  
 اگر مردم و اجزاء ادارات خودشان به طیب خاطر  
 این قانونی استعمال کنند ما محتاج به اینکه قانون  
 وضع بکشیم نیستیم وضع قانون برای این است که  
 آنها را مجبور و ملزم بکنیم . اینکه آقا فرمودند  
 فلسفه اینکه شاگرد مدرسه را مجبور میکنند و پدرش را  
 مجبور میکنند چیست ؟ فلسفه اش این است که شاگرد مدرسه  
 را از نقطه نظر نظامات مدرسه میتوان مجبور کرده به اینکه  
 پارچه وطنی بیوشد ولی پدرش ، والدینش آن نظامات  
 را آنها را بیستند که مجبور باشند اطاعت کنند و اینکه  
 اعتراض فرمودند يك قانونی بدون مجازات چه نتیجه دارد ؟  
 عرض میکنم خیلی از قوانین است که برای آنها هیچ  
 مجازاتی معین نشده و عملی هم شده است من جمله قانون  
 رزق اجباری که آقایان در دوره گذشته وضع کردید در  
 آن هیچ مجازات و سانسکیونی معین نکرده اید اجرا هم  
 شده است و بنده تعجب میکنم که چرا آقایان در آن موقع  
 این اعتراض را نکردید و در این مورد که میخواهند يك  
 قانونی برای ترویج مصنوعات وطنی بر دارند این اعتراض  
 را نمیفرمایند . علاوه بر فرض این اعتراض نمایند محترم  
 هم وارد باشد این طرح تازه پس از آنکه قابل توجه شد  
 میروید به کمیسیون اگر کمیسیون لازم بداند اصلاح میکنند  
 و طوری لایحه را تنظیم مینمایند که قابل اجرا باشد بنا  
 بر این بعقیده بنده این طرح و این قانون یکی از طرح  
 های خیلی مفید است و کمک مهمی به مصنوعات داخلی  
 ما خواهد کرد .

فیروز آبادی - صحیح است

رئیس - از طرف آقای یاسائی و آقای اعتبار و آقای  
 بیگ پیشنهائی رسیده است که این طرح از دستور خارج  
 شود . آقای یاسائی

یاسائی - بنده با این طرح موافقم و خیلی هم آرزو می  
 میدانم ولی این مذاکرات هنوز و جنجالها پیش برده می  
 و اصفهائی های کرسنه که دستگاه های نساجی شان

خواهیده است خیلی ناگوار است و این اقدامی است که  
 سانسکیونهم نمیشود نظامات مدرسه شاگرد مدرسه را  
 مجبور میکنند که میبوشد دولت میگوید به اولیای شاگردان  
 که بچه های تان لباس وطنی بپوشند يك چیز فوق العاده  
 نیست شما ملاحظه کنید به بینید کار خانه کازرونی  
 توانسته است با کارخانههای خارجی رقابت کند ؟ خیر .  
 فقط با نساجی های یزد و اصفهان و کاشان رقابت کرده  
 است و يك عده کرسنه و فقیر در این مملکت زیاد شده  
 است در اثر يك کارخانه نساجی . در هر حال چون این  
 مخالفت ها میشود بنده پیشنهاد کردم از دستور خارج  
 شود و اگر آقایان موافقت میکنند که این طرح قابل  
 توجه شود و برود به کمیسیون و در آنجا جرح و تعدیل  
 بشود و البته با يك مهلت و فرجه که شش ماه يك سال  
 فرجه داشته باشد بنده هم استرداد میکنم پیشنهاد را  
 و اگر خیر به مخالفت خودشان باقی هستند نباید میکنم  
 رئیس - آقای عراقی

عراقی - البته همینطور که آقای یاسائی نمایند محترم  
 اظهار فرمودند این طرح يك چیز خوبی است و خیلی  
 خیلی خوبتر است که عملی باشد و مجلس به آن رای بدهد  
 ولی ما می بینیم در يك قسمت از قانون استخدام کشوری  
 نوشته شده است که باید نمایندگان و مستخدمین در موقع  
 کار لباس وطنی داشته باشند مثل امسال که هیئت رئیسه  
 مجلس هم جدیت کرد که نمایندگان باید لباس وطنی  
 بپوشند و آقایان هم غالباًشان می پوشند ولی ما می بینیم  
 پارچه های کارخانه کازرونی پست تر از پارسل شده است  
 کازرونی ما را مجبور می بیند که باید برویم و از او پارچه  
 بخریم ولی باید همان اندازه که مصنوعات وطنی را ترویج  
 میکنیم همان اندازه صاحب کارخانه و صاحب دستگاه مجبور  
 باشند که خوبتر درست کنند نه اینکه راحت دستشان  
 را روی هم بگذارند و بگویند هرچه ما درست کنیم  
 مجبورند میپوشند مضافاً به اینکه امروز دارد به  
 ماها اشتباه می شود پارچه های خیلی بد اروپا را می  
 آورند اینجا به اسم پارچه کازرونی می فروشند .



این است که بنده عقیده دارم همبطور آقایان این طرح را آورده اند و مطرح نموده اند خانه به کارش داده شود بعد بنشینیم با دقت و با مشورت دولت يك فکری بکنیم برای آن ناسجهای یزد و کاشان که میفرمایند راجع به این امر من هم با آقایان شرکت دارم ولی این طرح علاوه بر اینکه عملی نمیشود بدرم میشود.

رئیس - رای گرفته میشود به خروج این طرح از دستور آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند. (عده قیام نمودند)

رئیس - آقایان بفرمایند. تشخیص نشده مجدداً رأی میگیریم آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند. (عده قیامی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای اورنگ اورنگ - دو مقدمه است که بعقیده بنده داخل

هم شده و تفکیک نشده است این است که مخالف و موالف در اطرافش پیدا شده است و عقیدم این است اگر تفکیک بشود این مخالفت و مؤلفت ها يك صورتی خواهند گرفت از طرف آقای احتشام زاده و آقای باسائی بیانی کردند راجع به پارچه های وطنی و کارخانهای که با دست این پارچه هارا درست میکنند. این معنی کمان میکنم قابل انکار نباشد از طرف آقایان نمایندگان و سایر افراد مقیم این مملکت که این کار خیلی خوبی است که ما

بتوانیم رفع احتیاجات خودمان را با دست و بازوی خودمان بکنیم و این را هیچکس انکار نمیکند يك مسئله بدیهی است و خیلی هم کار خوبی است ولی اینجا نمیتوان اعضاء ادارت را باشاگردان مدرسه قیاس گرفت چرا؟ برای اینکه شما در سال به اعضاء ادارت حقوق میدید و در مقابل به آنها میگوئید چهار به ظهر مانده بیا. نیم ساعت بعد از ظهر برو. عصر زو. شبه نکن این شکل بیا آن شکل برو و يك نظاماتی را در مقابل يك حق برای او تعیین میکنید ولی بچه را این طور تربیتش نمیکند همیشه بچه را نقل بهش میدهند گولش میزنند میفرستندش مدرسه که آنجا جای خوبی است فلان کن بهمان کن که

بچه اش بواش بواش بیاید چیز یاد بگیرد. اینکه آقای احتشام زاده فرمودند شما قانون وضع کردید و مجازات برای آن معین نکردید و آن قانون عملی شد آن قانون چه بود؟ قانون شلنگ نخته زدن بود این چیزی نبود کار بچه همه اش شلنگ نخته زدن است و این عادت بچه است. اگر به بچه بگویند ساک و دو زانو و مؤدب بنشین و چند تا شلاقش هم بزنند ممکن نیست بنشیند. در دقیقه می نشیند ولی بواش بواش پاهایش را حرکت میدهد و بلند میشود و معلق میزند. این را دوست دارند اینجا قیاس مع الفارق است بقول آقایان بعد هم این مسئله محرز است که پارچه وطنی چیز بسیار خوبی است و باید ترویجش هم کرد لکن این قانون چیز خوبی نیست چون از یکطرف ما میرویم آنها را ترویج کنیم از طرف دیگر يك مملکتی را در مضیقه و فتنه میگردانیم. آقای احتشام زاده سراجمه بفرمایند به احصائیه شاگردان مدارس در شهر طهران چون قویترین شهر های این مملکت بعقیده ما شهر طهران است پایتخت این مملکت است شما ملاحظه کنید در این مدارس چند تا مجانی دارید و چند تا پول بده. احصائیه اش معین است بودجه معارف الان در کسب و بودجه است پس فردا می آید در این مجلس این بزرگوارانی که مجانی هستند معنی مجانی یعنی نداشتن یعنی نانوائی.

دکتر سنک - لخت می آیند؟ اورنگ - نامل کنید قربان بروم. توانائی نداشتن برای دادن ماهی پنجقران است دولت چون دید اینها ندارند مدرسه مجانی درست کرد اینها را آورد در مدرسه مجانی به لباسهاشان نگاه نکنید اینها لباس ندارند که شما بگوئید فرنگی است یا ایرانی غالب افراد من از توی همین نمایندگان سراغ دارم که نذر کرده اند که برای سلامتی بچه شان پنج دست لباس برای بچه های یتیم درست کنند این برای این است که ندارند حالا ما بیائیم يك چنین بچه را يك چنین قانونی برایش بگذاریم؟ ما وكلا با ماهی سیصد تومان

بخریم از پول دادند به کار خانه کارروائی استوائی را میخریم ذریع دو تومان ده سال میپوشیم. يك گرفته ام هیچده تومان يك زمستان را سر نمی برد. ما کرد بی پول بی حقوق بی پدر بی مادر بی هیچ چیز يك قانونی برایش بگذاریم که فردا مجبور باشد اگر هم بیوشد بیست تومان چهل تومان جرعه بدهد بیست روز حبس شود که چه خبر است اگر ما این را نکتیم کافر هستیم؟ نمی گوئیم پارچه وطنی بد است یا کارخانه یزدی بد است خیر. خیلی خوب است برای او صلوات هم میفرستیم من قصیده لامیه هم برایش میسازم بسیار خوب است ولی از یکطرف هم این در موقع خودش کار بدی است و آنها در موقع خودش کار خوبی است. تشویق بفرمائید مردم را به پوشیدن لباس وطنی خاصه این قبیل از مردم را. از آنطرف هم اینها را تشویق بفرمائید به خوب درست کردن که جمع بین هر دو بشود نه اصرار بفرمائید حضرت میظانعالی سر این موضوع نه آقایان اینقدر مخالفت بفرمائید برای آقایان گویا سوء تعبیر و یا سوء تفاهم شده است و از هم تفکیک کنند کدام میکنم درست بشود

رئیس - آقای فهیمی موافقتند؟ فهیمی - مخالفم. رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً میخواهم تشکر کنم از دولت آقایان وكلا که دارند يك قدم رو به ترقی مملکت بردارند. گاهی گفتگوی استخراج معادن میکنند بعضی گفتگوی استعمال اتمه وطنی میفرمایند آنوقت نمیدانم چه شده است يك عده شدیداً مخالفت میکنند. بنده لایع میگویم مخصوصاً از آقایانیکه اشخاص بی غرضی هم هستند. نمی فهمم یعنی چه؟ اگر اطفال را مادر زمان طولیت در مدرسه عادت ندهیم به استعمال البسه وطنی نمیتوانیم اینهارا عادت بدهیم اگر ما در مدرسه به آنها یاد ندهیم که متاعی که خودمان داریم زود از دست بدهند و متاع خودمان را بپوشند پس وقتی پیر شدند اینها میتوانند بدهیم؟ وقتی از مدرسه بیرون رفتند

میتوانیم به آنها بدهیم؟ ابتدا غیر ممکن است ما استعمال البسه وطنی را قانونی کردیم بجهت اجزاء ادارت و چون در مدرسه به آنها نکتیم از به خرجشان بیروند. حتی وكلاي مجلس هم باید بپوشند و بعضی از آقایان نمیپوشند چرا؟ بجهت اینکه در مدرسه به آنها نکتیم اند. اگر در مدرسه به آنها نکتیم بودند امروز کاملاً اینجا موافقت بودند و بکنفر مخالف پیدا نمیشد. قانون و طرح بان خوبی که به شاگردان مدارس دولتی بگوئید پارچه های یزد و کرمان را بپوشید که مراتب ارزانتز از لباس فرنگی است چه عیبی دارد. در صورتیکه این پارچه های ارزانتز را نمیتوانند بپوشند چطور میتوانند لباس فرنگی ذریع دو تومان و سه تومان را بپوشند. پارچه ذریع سی شاهی را نمیتوانند بپوشند؟ یا آقایان از قیمت البسه وطنی اطلاع ندارند که این فرمایش را میکنند یا اگر هم اطلاع دارند و این فرمایش را میکنند نمیدانم از چه نظر است اتمه وطنی بمراتب ارزانتز از اتمه خارجی است باور ندارید بروید بازار کار و اسرای یزد به قیمت قدماهای بر دارم که اسباب آسایش مردم فراهم شود. عبا که از بین رفت يك مشت عبا دوز و عبا باف و عبا فروش و غیره همه از بین رفتند. اطفالی هم که در مدارس دولتی میروند تحصیل میکنند به آنها هم نگوئید لباس ذریع سی شاهی دو هزار کرمان را بپوشید و لباس ذریع یازده قران و دو تومان فرنگ را بپوشید!! پس کی باید اینها را استعمال کنند؟ کی باید اینها را ترویج کنند؟ بنده عقیده ام این است که آقایان همه متحد و متفق بشوند حالا که دولت حاضر است در استخراج معادن بعضی آقایان وكلا هم حاضر شوند خودشان طرحی پیشنهاد کنند که البسه وطنی استعمال شود. این خوب طرحی است و خوب پیش رفتی هم در کار پیدا میشود اگر انشاء الله معارض خارجی پیدا نشود پس خوب است آقایان هم معارضه نکنند و موافقت بفرمایند و بگذارند این چهار ذریع کرباسی که در این مملکت بافته میشود اینها هم مشتری داشته

بازید آقا فرمودند من برك و بچه بودم تو ای پویشید ما لازم نیست برك  
 بچیدم تو ای پویشید برك و بچه بودم تو ای پویشید. بازید قرائی هم  
 هست يك تو ای هم هست بیجقرا ای هم هست. حالا بعضی از آقایان  
 میخواستند آن مرتبه بالا را بیوشند ربطی ندارد باینکه ما  
 بگوئیم پارچه بداریم و گران است خیر ما پارچه داریم .  
 خیلی هم خوب است. آقایان هم خوبست موافقت  
 بنمایند این طرح که طرح خوبی است تصویب شود و  
 مردم بخردند بیوشند و اطفال را هم از حالا در مدرسه  
 یاد بدهند. چون ما مردمانی هستیم فقیر و بی پول  
 خوب است از ابتداء یاد بگیریم که متاع خودمان را  
 استعمال کنیم که محتاج بقرض نشویم و انشاء الله مملکت  
 ما رو برترقی برود و الا اگر بنا باشد هرچه که از این  
 قبیل امور عام المنفعه پیش بیاید يك عده مخالفت کنند  
 و از مجلس خارج نشود ما هیچوقت موفقیت در هیچکاری  
 را پیدا نخواهیم کرد - امید وارم آقایان هم موافقت  
 بنمایند که این طرح خوب بگذرد و بگذارند که  
 دیگران هم از این قبیل طرحها پیشنهاد کنند و چرخهای  
 مملکت بکار بیفتند آقایان می فرمایند اطفال را با این  
 طرح باید از مدرسه خارج کرد. خیر آقا خارج کردن  
 لازم ندارد به بچه میگوئید این لباس فاستونی پانزده  
 قرانی را بیوش فاستونی دوریالی بیوش. میگوئید نداریم  
 بنده میروم بکاروانسرا ها. بر است از اجناس بزد  
 کاشان و کسی نمی خورد بعضی مشوق و خرتدم نیست و الا  
 پارچه هست.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض کنم در موضوع يك قدری اشتباه شده  
 است. آقا تصور می کنند که ما میگوئیم لباس وطنی  
 بیوشند و لباس وطنی پوشیدن بد است خیر لباس وطنی  
 خیلی خوب است بهمان دلیل که خودمان این جا  
 قانون بگذاریم که بیوشیم و متاسفانه شاید نمی پوشیم  
 عده از نمایندگان - خیر. میپوشیم.

عدل - بسیار خوب می پوشیم بهر حال بنده که  
 خودم همیشه میپوشم ما آقا مقصودمان این است که

به بنشینم این قانون آیا عملی هست یا نیست ما این جا  
 که جمع شده ایم مجبور نیستیم که هر شب يك باری  
 بدوش این مردم بگذاریم. آخر خوب است يك فکری  
 هم برای ابتکار بکنیم. بنده همان روز هایی که مرا  
 بی اندازه سرد بود يك روز از خانه خودمان آمدم بیرون  
 که بیام بمجلس دیدم يك بچه کوچک هشت و نه ساله  
 کفش هم پایش نبود می لرزید و گریه میکرد و راه میرفت  
 گفتم کجا میروی گفت میروم مدرسه در نمی شود  
 گفتم مدرسه کجا است گفت مدرسه امریکاییها است  
 حالا چه وقت است؟ گفتم زده يك ظهر است.  
 گفت باشد خواهم رفت این بچه را ملاحظه بنمایند  
 صبح از خانه اش راه افتاده بود از پهلوی خانه ما  
 حالا از شدت سرما بان جا رسیده بود و با پای برهنه  
 و می لرزید گفتم بچه آن جا چرا میروی؟ این جا که  
 مدارس دولتی خیلی زیاد است گفت مدرسه امریکاییها  
 من هزار هم میدهند این است که میروم آنجا آقا کسی که  
 بچه اش را میفرستد مدرسه دولتی برای این است که پول ندهد  
 این آدم پانزده شاهی يك قران سی شاهی میدهد از  
 بهودی يك چیزی می خورد و میدهد به بچه اش بیوشد  
 و برود بمدرسه خوب این آدم چطور برای بچه اش لباس  
 وطنی بخرد آقا ما اگر این قانون را برای نمازچی  
 بگذاریم خیلی خوب است خیلی هم صلوات می فرستیم  
 و الا اگر بنا باشد هر شب که ما از این جا میرویم يك  
 باری بدوش این مردم بگذاریم اینک نمیشود !! آخر  
 آقا شما چه میخواهید از جان مردم !! از بقیه مردم  
 دست چرا بر نمی دارید !! چطور مردی که برای يك  
 قران معطل است برود برای بچه اش لباس وطنی بپوشد  
 بکند؟ ملاحظه بنمایند اینجا صدوا نیست نفر آدم  
 نشسته اید خودتان اضااف بدهید در حدود خودمان  
 نتوانسته اید این قانون را عملی و اجرا کنید آنوقت  
 چطور میتوانیم آن آدم بدبختی را که در ترشیز است در  
 هرند است در فلان جا است که ماهی ده شاهی  
 هم کیوش نمی آید که بچه اش را بمدرسه بفرستد از

بیاورد لباس وطنی به بچه اش بپوشاند !! آقا همه  
 آقایان این اطاعت نیست يك فکری هم بکنند نگاه کنید  
 اینک قانونی که میگذرد باید عملی باشد تا مردم بتوانند  
 آنرا بکنند و قابل اجرا باشد شما در ادارات دولتی  
 کارمندان صدتو بیست تومان و صد و سی تومان و سیصد  
 تومان و حتی تومان حقوق بگیر دارید نتوانسته اید کاملاً  
 این قانون را عملی بنمایند آنوقت چطور این دربار بچه های  
 ما را و این پدر می توانند عملی کنید !! مگر برای اینکه  
 مردم خوششان بیاید و بگوئید که كك کرده اید !!

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زوار - بنده مخلفم

رئیس - به آقای دکتر طاهری اجازه داده شده

باسالی - ده هزار نفر تساج بزدی امسال از پربشالی  
 هندوستان مهاجرت کرده اند ما جواب آنها را چه بدهیم ...  
 عدل - خودتان بیوشید. چرا نمی پوشید

رئیس - آقای مذاکرات بین الاثنین برخلاف ترتیب

است - ( خطاب بدکتر طاهری ) بنمایند آقا

دکتر طاهری - اولاً آقایان خوبست توجه بنمایند  
 که قضایا از روی حقیقت و فکر مطرح مذاکره بشود آنوقت  
 رد نشود یا قابل توجه بشود و برود بکمیسیون. بنده این جا  
 اظهار می خواهم عرض کنم که وطن برستی از  
 گذرد گذشتگی میخواهد بحرف نمیشود وطن پرست شد.  
 بچه های زرق و برق دار خارجه خیلی قشنگ است ولی  
 برای خودشان نه برای ما که يك عده زیادی در این  
 مملکت نان ندارند بخورند ما این پارچه های را که میخریم  
 و مال خارجه است باید به بیدیم چطور پولش تهیه میشود  
 و چه خانواده هایی باید بی نان بشوند تا بنده که پول  
 دار هستم با از سایرین میگیرم و سه چهار تیکه پارچه بخرم  
 ملاحظه اینک این طرح پیشنهاد شده چنانکه در مقدمه اس  
 ملاحظه شده است این است که در نتیجه احساناتی که  
 نمایندگان نمایندگان محترم روز میدهند ( ما دیگر از

سایر طبقات چه توقعی باید داشته باشیم ) يك عده زیادی  
 از اهالی این مملکت که همه برادر های ما هستند خواهر  
 های ما هستند بروز سیاه نشسته اند و فلاکت فوق العاده  
 افتاده اند بنده وقتی که امسال رفتم بیزد رئیس سچل  
 احوال آن چایمی گفت که در مدت هشت ماه امسال چهارده  
 هزار و کسری مهاجرت کرده اند دوازده هزار نفر هندوستان  
 و دوازده هزار کسری هم بسایر جاها - خوب معلوم است  
 اینها اگر نان داشته باشند هرگز وطن خود را ول نمی  
 کنند بروند بخارجه اینها همه گرسنه همه بی نان هستند  
 میروند بی تحصیل نان نماییگوئیم پارچه خارجه. پارچه  
 خارجه البته با چرخ است لطیف است قشنگ است  
 و روحاقت ما می افزاید ولی آن اطفال که چندان مقید  
 باین نیستند بعلاوه پارچه های وطنی ارزانی تر است از  
 پارچه های خارجه وقتی که بنا کردان مدارس که دولت خرج  
 تحصیل آنها را متکفل میشود در مدرسه دارالفنون يك  
 عده زیادی شاگرد است که از ابتدائی بخرج دولت تحصیل  
 کرده اند متوسطه را هم منظور عالی را هم خواهند  
 و فردا کل بر جامعه میشوند. وقتی که دولت ده هزار تومان  
 برای يك شاگرد خرج می کند خودت باو میگوئید این پارچه  
 لباس را هم وطنی بکن این چه ضرری دارد که ده هزار  
 نفر بیست هزار نفر پنجاه هزار نفر از مردم که از این راه  
 نان می خورند اعاشه شان درست بشود؟ بعلاوه آنها شاگرد  
 مدرسه است چه نمایی میشود بر آنها ما اگر از کوچکی  
 با آنها وطن پرستی را عادت بدهیم چه ضرری دارد؟ اول  
 هم عرض کردم وطن پرستی از خود گذشتگی لازم دارد  
 ما الان وقتی که کبریت تبریز را آتش میزنیم صد تایش  
 را که میزنیم بکیش نمی گیرد مملکت ما طرفدارش هستیم  
 چرا؟ چون میگوئیم مال خود مدان است اگر بد است  
 مال خودمان است اگر خوب است مال خودمان است این را  
 هم عرض کنم  
 کهن جامعه خوش پیراستن به از جامعه غارت خواستن  
 ما اگر کربان از خودمان داشته باشیم و بیوشیم بهتر  
 است که از خارجه فلان پارچه خیلی اعلی را بیاوریم



و بهر حال آقای عیسی می فرمایند که ما هر روز يك چیزی تحصیل می کنیم مردم این درست ما این تحصیلات را می کنیم ولی آنچه که بدردم مردم میخورد همین طرح است که پولش از ملکیت بیرون نبرود و الا پارچه های اروپایی خریدن و آن تحصیلات دیگر را ما هر شب مشغول هستیم آن کاری که بدردم مردم می خورد همین است که صد هزار نفر را از فقر نجات میدهد این را هم عرض کنم که اگر ما سیر هستیم و اگر هموطنان ما که گرسنه هستند ما نباید آنها را فراموش بکنیم - بی آدم اعضای یکدیگرید - که در آفرینش زینک گوهرید - چو عضوی ببرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند فرار - خلاصه در نتیجه مشاهدات و اطلاعاتی که از طرف بنده و سایر آقایان نمایندگان در نقاط مختلفه این ملکیت بعمل آمده و این صنف نساج يك قسمتشان از بین رفته و بقیه هم دارند میروند این آقایان بنام وظیفه ما من تکک کردند و این طرح را امضا کردند که قابل توجه بشود و برود بکمیسریوت معارف این طرح که الان تصویب نمیشود آقا حالا قابل توجه میشود و میروند بکمیسریوت معارف دوشوری است ممکن است اصلاً از کمیسریوت بیرون نیاید دولت بیاورد و يك مخالفی بکنند و همان جا ماند و بیرون نیاید - یا اصلاً جانی درش بشود - دیگر اجازه ما خود مجلس است ما همین وظیفه مان بود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زوار - بنده مخالفم

رئیس - فرمایند

زوار - عرض کنم که يك طرح قانونی دارد از مجلس میگذرد راجع بامتنه وطنی این حرارتها هم تصور می کنم با شئون وطن برقی بحاس مناقات داشته باشد پس خوبست اجازه بدهید موافق و مخالف حرفهای خودشان را بزنند بطوری که آقای طاهری فرمودند این لایحه دو شوری و پس از قابل توجه شدن تازه میروند بکمیسریوت و بدقیق میروند باز می آید مجلس يك طرح قانونی

آقایان موافق هستیم در این که باید امتعه وطنی را فروخته کرد و پوشید همه مان هم موافقیم منتهی چیزی که هست دو چیز است یکی اینکه مسائل اقتصادی همیشه نام يك قواعد و قوانین طبیعی است که با موضوع مجلس نمیشود آن را درست کرد شخصی که میخواهد آنچه بخرد هر پارچه که ارزان تر و مناسب تر و قشنگ تر و مطابق با سلیقه اش باشد میخرد و البته کارخانها هم با هم سعی کنند که کارشان خوب بشود و ممکن نیست ما يك قوانینی وضع بکنیم که مردم همه بپوشند و در مصرف نظر از قوانین و قواعد طبیعی بکنیم اگر ما يك قوانینی وضع کنیم که مخالف نوامیس طبیعی باشد و پنجاه هزار سر بیزه هم پشت سرش باشد اجرا نمیشود برای اینکه با روح و با سلیقه مردم مخالف است قوانین طبیعی همیشه در عالم حکمفرما است این قضیه مثل دو دونا چهار نای ریاضی است که هیچوقت در بحث قوانین موضوعه مجلس قرار نمیگیرد بهترین دلیل هم همان قانون امتعه وطنی است که از برای وکلا و مستخدمین دولت گذرانید و هیچکس هم نمی پوشد اگر هم بنا باشد بپوشند يك دست لباس رو درست می کنند و در موقع کار میپوشند بعد در می آورند و دور می اندازند چرا؟ چون مطابق سلیقه و مطابق احتیاجاتشان نیست و اگر شما بیایید و ملامت کنید مردم را که مردم بقدر کافی حس وطن برسی ندارند این درست نیست و باین ترتیب قانون اجرا نمی شود بهترین وسیله ترویج امتعه وطنی این است که حرکت امتعه خارجی را زیاد کنند که اجناس خارجی کران تر بیاید و کسی آن را بخرد راه ترویج امتعه وطنی اینست که اینک قانونی بگذرانید که در عمل و اجرا دچار اشکال بشود و حتماً شاگردان مدارس بیوشند دلیل دوم ما هم مسئله اطفال است برای اینکه يك بچه و دو بچه بپوشد بچه نیست چهل هزار پنجاه هزار طفل در مدارس دارند تحصیل می کنند آقا تمام اینها نمیتوانند در اول سال ۱۳۰۸ لباس وطنی تهیه کنند و بپوشند

رئیس - آقای دشتی  
دشتی - عرض کنم که تقریباً یکساعت است وقت مجلس تلف شده است و تقریباً موضوع هم بهیچ جا نرسید و نتیجه گرفته شده است عرض کنم که ما دره فردا

اولا ندارند نابیا اینقدر پارچه ندارند که آنها بخرند بعضی از رفقا این جا به بنده میگویند که اگر این طرح رد بشود بد است چرا بد است این طرح یکساعت وقت مجلس را تلف کرده است حالا باید رای گرفته شود بقابل توجه بودن آن اگر قابل توجه شد که میروند بکمیسریوت معارف اگر رد شد هیچ و عیبی هم ندارد و در اساس هم که ترویج امتعه وطنی باشد هیچکس مخالفت ندارد ولی باید این کار بالاخره يك سره بشود حرف زدن زیاد هم فایده ندارد از دستور خارج شدن هم فایده ندارد اگر تنفس هم بشود باز همین حرفها زده میشود و فایده ندارد و علاج قطعی نیست

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - رأی گرفته میشود بخروج از دستور آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رأی میگیریم بقابل توجه بودن اصل ...

ضیاء - يك پیشنهادی دارم ...

رئیس - آقا بنده نایمات که نمی توانم حالت منتظره داشته باشم

ضیاء - مطابق نظام نامه است

(پیشنهاد آقای ضیاء این قسم قرائت شد)

موجب ماده ۹۴ تقاضای سکوت مینمایم

يك نفر از نمایندگان - این مال استیضاح است

ضیاء - اصلاً این تقاضای سکوت که بنده کرده ام مطابق نظام نامه است نظام نامه يك پیش بینی برای این قبیل مواقع کرده است که يك نفر نماینده بتواند ...

دیوان یکی - قرائت بفرمائید

ضیاء - در ماده ۹۴ می نویسند که هر يك از نمایندگان می تواند از مجلس تقاضا نماید که طرح یا لایحه قانونی که

مجلس آمده است مسکوت عنه بماند در آخرش هم میگوید در موقعی که راجع بطرح یا لایحه قانونی تقاضای سکوت

بشود در خصوص رد یا قبول این تقاضا قبل از آنکه در



باز به خود مطلب اخذ رای شود زای گرفته عیدود  
 یک طرحی است از طرف جنسی از نمایندگان که حالا  
 اغلب شان هم اظهار موافقت نمی کنند تقدیم مجلس شده  
 است بموجب نظام نامه این طرح بک کمیسیون مبتکرات  
 رفته است نظام نامه احکام بر قضا و اجرای نامی که در مجلس  
 رؤی می دهد - برای یک چنین طرحی نظام نامه یک ماده  
 مخصوصی را پیش بینی کرده است و آن ماده ۳۷ است  
 در ماده ۳۷ نظام نامه میگوید  
 در رؤی که برای مباحثات معین شده است مجلس  
 در باب طرح هر نور اساساً و بطور کلی مذاکره کرده و  
 در خصوص قبول توجه یا عدم توجه رای میدهد  
 یک عده از نمایندگان یک طرحی بظرفشان رسیده است  
 برای حمایت از مصنوعات داخلی (که وظیفه هر وطن  
 پرستی است) و آن را تقدیم مجلس کرده اند با اتکاء  
 اعتماد با احساسات وطن پرستی نمایندگان ملت و با اعتماد  
 اظهارات اعضای دولت راجع بجهت از مصنوعات داخلی  
 ( این مذاکرات در همه جا در فراسیون و در جلسات مجلس  
 شده است که میگویند نمایندگان افکار خودشان را حاضر  
 بکنند برای حمایت از مصنوعات داخلی طرح بدهند پیشنهاد  
 بکنند با هیئت دولت مذاکره بکنند یک عده از نمایندگان  
 روی همین اصل و برای تشویق از کارهایی که در داخله  
 ممکن است مردم بکنند و نفع داشته باشند طرح را تقدیم  
 کردند چه ضرر دارد ما میگوییم برای یک املاک فلان  
 ترتیب برای قسمت های دیگر فلان ترتیب بکنند وقتی که  
 شاگرد را می خواهند بپذیرند الا طرف ابتلاء خود بنده  
 است وقتی که می خواهند شاگرد را بپذیرند بموجب قوانین  
 که ماقبل درست کرده ایم میگویند ورقه سچل احوال  
 باید داشته باشید یک بتیمی است پذیر ندارد مادر ندارد  
 خود من او را میخواهم بفرستم بخدشه که مشغول تحصیل  
 بشود او را نمی دهند برای اینکه ورقه سچل احوال ندارد  
 اداره سچل احوال هم با ورقه میدهد برای اینکه میگویند  
 این شخص بتیمی باید قیم داشته باشد من و شما که قیم  
 فلان بچه بتیم نیستیم بنا بر این نمی توانیم برای او تحصیل

ورقه سچل احوال بکنیم و بالتبع به بخدشه را  
 نمیدهند بموجب قوانین صکه در دیت او داده اید  
 بالاخره این جام برای ملک بمصنوعات داخلی که تشویق بشوند  
 بپنجاه هادکاها ایشان را به بندهای بقیده بنده اگر نمایندگان  
 محترم یک قدری عقب پارچه های اوزان بگردند می بینند  
 که در بازار های داخله پارچه های وطنی ارزان و محکم  
 بسیار است یک چنین طرحی تقدیم مجلس شده است  
 بموجب نظامنامه بطور کلی باستانی در او صحبت شود  
 البته بطور کلی حمایت از مصنوعات داخلی خیلی خوب  
 است بهر صورتی که باشد خوب این طرح اغلب آقایان  
 تصدیق دارند که خوب است ممتنی بعضی آن را عمل  
 نمیدانند این طرح که حالا تصویب میشود میرود بکمیسیون  
 و در کمیسیون با حضور نماینده وزارت معارف مطالعه  
 میشود جرح و تعدیل میشود و ممکن است همین طرح  
 دو سطر یک قانون ده ماده بشود هم بحمایت و رعایت  
 حال ضعیف و هم بحمایت مصنوعات داخلی این بود که  
 عجاله من پیشنهاد کردم که این طرح فعلاً مسکوت عنه  
 ماند تا در خارج تبادل نظر بکنیم یا طرح دیگری که  
 جامع بین نظر ها باشد تهیه و تقدیم مجلس بکنیم این بود  
 نظر بنده  
 تجوی میخبر کمیسیون مبتکرات - بنده این خبر را پس  
 میگیرم برای اینکه رفع اختلاف نظر ها بشود  
 رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع باعتبار اضافی  
 وزارت عدلیه مطرح است  
 وزیر مالیه - بنده تقاضا می کنم مساعدت بفرمایید  
 فعلاً این خبر مطرح نشود و خبر کمیسیون مالیه راجع  
 معافیت نقره مطرح شود چون میل دارم در موافقه  
 لایحه اضافی وزارت عدلیه مطرح میشود آقای وزیر عدلیه  
 هم تشریف داشته باشند و چون امشب توانستند شرفیاب  
 بشوند بنده اینطور استدعا کردم  
 رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بازدی  
 و زود نقره مطرح است شور اول است  
 ( خبر مربوط این قسم قرائت شد )

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نقره ۴۷۰۳۷ دولت را  
 تحت نظر و شور قرار داده و مواد آن را بشرح ذیل  
 تنظیم و از وزارت آن را تقدیم میدارد :  
 ماده ۱ - زود نقره اعم از مسکوک یا غیر مسکوک  
 که از تاریخ ۱۳۰۵ در ایران در خارج از  
 ایران از این تاریخ بعد ممنوع بوده و اجازه ورود باین  
 قبیل مسکوکات داده نخواهد شد  
 ماده ۲ - خروج نقره خواه بصورت مسکوک خواه  
 بصورت شمش و خاک ممنوع است باستثناء مصنوعات نقره  
 ایران یا خارجه و مسکوک خارجه  
 ماده ۳ - مسافران در موقع خروج از سرحدات مملکت  
 نمیتوانند تا میزان دوازده تومان مسکوک نقره همراه داشته  
 باشند  
 ماده ۴ - مقررات ماده اول قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵  
 راجع بنقره ملغی است  
 رئیس - مذاکره در کلیات است آقای افشار  
 افشار - بنظر بنده ماده اول تبصره ماده اول این  
 قانون کاملاً با هم متباین و متناقض است زیرا در ماده  
 اول می نویسند : ورود نقره اعم از مسکوک یا غیر مسکوک  
 آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود در تبصره  
 می نویسند : سکه کردن مسکوک راجع ایران در خارج از  
 ایران از این تاریخ بعد ممنوع و اجازه ورود باین قبیل  
 مسکوکات داده نخواهد شد پس مقصود این ماده این  
 بوده است که ورود مسکوکات نقره خارجه بداخله ایران  
 آزاد است وقتی که مسکوکات راجع ایران را شما در خارج  
 اجازه ضرب ندادید مطابق ماده اول که میگوید ورود  
 نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک بداخله ایران از  
 حقوق گمرکی معاف است این ترویج میکند جریان  
 مسکوکات خارجه را در داخله مملکت در صورتی که  
 ما باید خاصاً باشیم که مسکوکات خارجه اعم از نقره  
 طلا و در داخله مملکت ما با استثنای نقاط سرحدی که  
 قوانین ماده زود نقره هستند و میخواهند امتفه خودشان

بواسطه يك احتیاج مبرمی كه ناشی از عدم توسعه کافی در تجارت ما بوده است مجبور شده اند قبلاً كه تجویز كنند كه سكه ایران در خارج ضرب شود و بعد وارد شود و در مملكت ما رواج داشته باشد این عمل البته اگر در يك موقعی بواسطه اینکه (همینطور كه عرض کرده ام) در تحت فشار احتیاج بوده ام مصاب بوده است ولی اصولاً این عمل مصاب نیست و نباید بشود چون از طرفی هم ما ضرابخانه را مقدمات توسعه اش را فراهم کرده ام و اطمینان داریم كه سال آینده میتواند به اندازه حوائج داخلی مملكت ما را رفع كند و خواستیم این ممنوع بودن قانونی بشود كه دولتها نتوانند هیچوقت بعد از گذشتن این تبصره از این ممنوعیت تخلفی كنند و این ممنوعیت بمقیده بنده صلاح مملكت است و این قسمت را آقای افشار تصدیق خواهند فرمود منتهی نفاذی اگر بنظرشان بین تبصره و ماده اول آمده برای این است كه در ماده گفته شده است ورود مسكوكات خارجی آزاد است و در تبصره میگوید بعد از این مسكوك در خارج ضرب نخواهد شد بسیار خوب پس این مسكوكی كه وارد میشود ناچار مسكوك خارجی خواهد بود ولی ورود مسكوك با رواج مسكوك دو تا است و هیچ اینها با هم ملازمه ندارند الان ما رواج مسكوك خارجی را در امعالمات داخلی خودمان در خاک ایران اساساً در عمل ممنوع کرده ایم بدرجه كه همانطور كه حالا خودتان تذکره دادید در يك قسمتی از نقاط دور دست كه معاملاً نشان مستقیماً با خریدار های خارجیه است چاره نداشته اند غیر از اینکه مسكوك خارجی را قبول كنند و از نقطه نظر این ممنوعیتی كه ما در رواج مسكوك خارجی کرده ایم يك لطمانی بتجارتی آنها میزد و ما مجبور شدیم كه در عمل يك ترتیبی اتخاذ كنیم كه بطور استثناء در مقابل بعضی مال التجاره ها كه خارج میشود بترتیب خاصی آن پول قبول شود و رواج نباشد و وقتی كه قبول شد ترتیب جمع كردن آنرا ما خودمان يك طوری ترتیب بدهیم

كازرونی - صحیح است مال التجاره است وزیر مالیه - و همین طریق مسكوك خارجی كه وارد میشود ما جلوگیری را ول میكنیم كه بطور مال التجاره بیاید و اغلب وقتیکه میآید تبدیل میشود من جمله اخیراً بنده این را مكرر دیدم و مسبوق شدم كه پنجقرانی های كهنه فرانسه كه امروز رواج نیست مال سه قرن دو قرن پیش ...

كازرونی - ریال بهش میگویند

وزیر مالیه - ریال فرانسه این هارا میبخرند و می آورند و در این جا در ضرابخانه آب میكنند و نقره در میآورند و به نقره تبدیل میكنند و اشخاصی كه این كار را میكنند از برای يك فوآئدی صدی چهار صدی پنج است كه از این نقره ها قابله میبرند پس این مسكوك ورودش ضرری برای ما ندارد زیرا مثل شمش مثل نقره خام میباشد مال التجاره است پس رواج ربطی به ورود ندارد رواج را بترتیب دیگر بالملازمه با ترتیب دیگری همیشه ما محدود نگاه داشته ایم يك نکته دیگری را كه باید این جا تذکره خدمت آقای افشار عرض كنم این است كه نباید این طور تلقی و تصور شود كه يك ممنوعیتی قبلاً موجود بوده و ما امشب بموجب این ماده ممنوعیت را بر میداریم و آزاد میگذاریم خیر این طور نیست هیچ ممنوعیتی بموجب قانون برای ورود نقره به این مملكت خواه بصورت شمش خواه بصورت مسكوك اصلاً موجود نبوده است فقط چیزی كه موجود است این است كه در تعرفه كمرکی قانونی كه بتصوب مجلس رسیده است صدی چندی كمرك بر ورود نقره تعلق گرفته است ما پس از مطالعه در عمل این طور صلاح دیدیم كه آن صدی چند كمرك را برداریم برای تشویق ورود نقره و برای تبدیل ورود زیرا علاوه بر تشویق يك عدم تساوی هم كه در عمل ایجاد شده است از بین برود و تشویق هم بشود كه نقره كه يك متاعی است كه ما لذات يك قیمتی دارد در مملكت ما زیاد بشود آن صدی پنج صد شش یا صد هفت كه درست حالا خاطر من نیست

بعضی از نمایندگان - صد پنج است

وزیر مالیه - حالا خاطر من نیست ولی گویا در تعرفه جدید صد هفت است این كمركس را خواستیم برداریم و معاف بكنیم و الا الان هم ورود نقره بمملكت ایران کاملاً آزاد است و هر كس وارد میكنند منتهی يك كمرکی میدهند در قسمت ماده دوم فرمودند كه از این ورود نقره مؤسسات خارجی فقط استفاده میكنند این را بنده ملتفت نشدم چون توضیحی ندادند كه بطور مؤسسات خارجی فقط استفاده میكنند اگر در وارد كردن نقره يك استفاده است و يك عمل تجارنی است پس هر كس كه نقره را وارد كرد آن استفاده را ببرد اگر استفاده نیست نه مؤسسه خارجی و نه مؤسسه داخلی هیچكدام استفاده نمیكنند بلکه اگر يك قدری توجه بفرمائید باین عرض بنده (كه يك قدری مبهم عرض میكنم) نماینده محترم تصدیق خواهند فرمود كه ما این ماده را برای این میگذاریم كه اگر يك استفاده باشد فقط و فقط برای مؤسسه خارجی نباشد چون تصدیق بفرمائید اگر بنا باشد يك کسی علاوه بر قیمت و قیمت كرایه و قیمت بیمه برای اینکه يك نقره را از لذات یا از نقطه دیگر بخرد و بیاورد طهران يك صد پنج یا صد هفت هم بدهد و یکی دیگر این خرج اولی را داشته باشد و این صدی پنج یا صد هفت را بدهد نتیجه چه می شود نتیجه این میشود كه در عمل آن کسی كه صد پنج و صد هفت را میدهد استفاده میكنند و ناچار داخلی شما كه مجبور است صدی پنج یا صدی هفت را بدهد نمیتواند رقابت بكنند و این نفع را برود پس وقتی كه ما كرك را مساوی از همه برداشتیم نتیجه اش چه میشود نتیجه اش این میشود كه اگر این عمل یعنی وارد كردن نقره صرف دارد بنده و بزرگان و عمر و زید و هر كس بخواند این تجارت را بكنند میتواند آن صرف را ببرد و اگر هم صرف ندارد كه هیچ اما راجع به مصنوعات كه فرمودید ورود مصنوعات این جا را هم باز بنده درست متوجه نشدم

كه در قسمت خروج مصنوعات نقره بود اصل اعتراض به چه بود ؟ اگر منع خروج نقره كه در قوانین قبلی هم بوده است حفظ کرده ایم برای این است كه ما میل داریم يك مال التجاره كه بالذات يك قیمتی دارد بیشتر وارد مملكت ما بشود و بیشتر موجود باشد در مملكت ما كه خودش يك زوئی است همانطور باید در نظر داشته باشیم كه راه فرار این را هم مسدود كنیم و نگذاریم بیرون برود بلکه تشویق كنیم كه بیآورند خصوصاً برای ما كه متأسفانه و بدبختانه پول ما هنوز روی واحد نقره است و موفق نشده ایم به اینکه واحد پولمان را از نقره به طلا تبدیل كنیم به این ملاحظه موجود بودن نقره در مملكت برای ما همیشه يك چیز خوبی است و ضرر ندارد ولیكن تصدیق میفرمائید كه نقره كه به مملكت ما وارد میشود وقتی كه مصنوعی بشود و از مملكت خارج بشود برای ما صرفه دارد زیرا مثقال نقره يك قران است ولی وقتی كه كارگران شیرازی یا اصفهانی یا كارگر زنجانی روی آن كار کرده این را بفروشند تا سه قران چهار قران پنجقران و آن تفاوت بین يك قران قیمت حقیقی نقره با آن چهار قران یا پنجقران نتیجه اش صرف برای مملكت است و قابله برای صنعتگران و صنعت ما است و هر قدر ما بتوانیم نقره شمش وارد كنیم و تبدیل كنیم به مصنوعات خودمان و بیرون ببریم بصرفه ما است پس بیرون بردن مصنوعات نقره بلكه همان يك چیز خوبی است و علاوه در قانون سابق كه الان این جا است و مجری است و خروج نقره را منع کرده است انجام خروج مصنوعی را منع نكرده است و این جا هم مصنوعات نقره ایران با خارج و مسكوك خارجه هر سه را آزاد گذاشتیم چرا ؟ برای اینکه دیدیم این جا ممكن است مصنوعات نقره خارجی باشد ظرف است میز است اسباب است هر چه میخواهد باشد يك کسی كه میخواهد برود چرا آزاد نباشد كه ببرد و بر مصنوعی داخلی خودمان این را هم علاوه كردم مسكوك خارجه را هم آزاد كردیم برای همان نظری كه نماینده محترم داشتند چون در ماده اول تجویز ورودش را كردیم گفتیم میبایستی تجویز خروجش



را هم بکنیم برای اینکه این مسکوک خارجی که وارد میشود  
 اگر برای این می آید که ذوب بشود و تغییر شکل بدهد  
 و بیفهراتی و درقرانی بشود بسیار خوب تبدیل میشود  
 ولی اگر يك مسكوك خارجی که وارد میشود برای تبدیل  
 نیست بایستی خارج شود و این را دیگر مجبور نکنیم که  
 بماند برای اینکه اگر مجبورش کنیم که بماند از يك طرف  
 و رواجش را هم از طرف دیگر ممنوع کنیم این میشود  
 و متناقض میشود مثلاً فکر بفرمایند وقتی که ما خرماها ما را  
 در سواحل خلیج میفرستیم اجازه بدهیم که در عرض  
 رویه بگردند اما رواج رویه را منع کنیم و خروجش  
 را هم منع کنیم چه صورتی پیدا میکند نتیجه اش  
 این میشود که این پول حقیقه قیمت پیدا نمیکند  
 و آنوقت کسی خرماها را نمیخرد و آن رویه که مصرف  
 نشود در مقابل خرماهای ما نمی آید و آن خرماهایی که  
 میخواهند از این طرف آب بخرند از آن طرف آب میخرند  
 چون رویه قبول نمیشود و بالاخره دچار این مشکل  
 میشویم و يك ضرر اقتصادی میرسد و هرمرفته چیز  
 دیگری در فرمایشات نماینده محترم نبود که جواب عرض  
 گمان میکنم که توضیحات کافی هم در این قسمت بررضان  
 رسیده است و بعقیده بنده این کاری که کرده ایم و  
 این لایحه و این قانون بفتح اقتصاد و به نفع تجارت مملکت  
 ما است از هر حیث علی الخصوص از نقطه نظر این  
 که يك استفاده مشروعی که از وارد کردن نقره و  
 تبدیل کردن به پول يك اشخاصی ممکن است ببرد این  
 را از صورت انحصاری در می آورد و عمومی میکند  
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 رئیس - رای میگیریم به شور در مواد موافقین  
 قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱ - ورود نقره اعم از مسکوک یا غیر مسکوک آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود

آقای عباس میرزا - آقای باسائی يك سؤال کرده اند و مخالفی  
 سؤال کردند که چرا ورود طلا را از گمرک  
 معاف نمیکند و طلا اصلاً حقوق گمرکی  
 ندارد حالا اگر غیر از این است آقای وزیر مالیه  
 فرمایند

رئیس - آقای آقا سید بقوب

آقای آقا سید بقوب - مسئله طلا و نقره سه مرتبه است  
 که در مجلس شورای ملی از وقتی که بنده مفتخر به عضویتش  
 شدم مطرح شده است . يك مرتبه در دوره چهارم يك  
 مرتبه در دوره ششم يك دفعه هم الان که دوره هفتم  
 است . حالا بنده قوانینی که راجع باین مسئله است  
 در مجلس و برسانم لیکن مقدمه يك موضوعی را به عرض مجلس  
 برسانم میگویند بد بخت ترین مملکت مملکتی است که  
 طلا و نقره پول آن بر نقره باشد این است که زحمت  
 بکنند و مالکی که میخواهند اساس زندگی خودشان  
 را بر نقره است کنند بنای پول خودشان را طلا قرار میدهند  
 و در دوره ششم نماینده ملت ارامنه در این جا پیشنهاد  
 کردند و وزیر وقت هم قبول کرد که از سنه ۱۳۰۷ یا  
 ۱۳۰۸ (درست در نظر ندارم) در مسئله يك که واحد  
 پول ایران را طلا قرار بدهند و در این موضوع يك  
 قانونی سال گذشته در مجلس گذشت و يك حال سرور  
 و البته اجماعی آنروز برای ما واقع شد زیرا وقتی که  
 اوله اش را ذکر میکردند میگفتند نقره حکم جنس را  
 پیدا کرده است به حکم نقد را و از بسکه در ممالک  
 ظاهر است استخراج میکنند دیگر در حکم جنس است و  
 نقد است که بشود بآن اعتبار کرد . این يك موضوع  
 طلا و نقره این موضوعی که آمدیم اساس پول خودمان را نقره  
 قرار دادیم و می آئیم از گمرک هم معافش میکنیم خوب  
 است عمل آزاد کردن انومبیل از گمرک که خانه همه را  
 بخرای کرد

رئیس - آقای آقا سید بقوب

خواهید دید فردا آقای وزیر مالیه

آهنگه فریاد هائی که بنده در دوره پنجم و ششم زدم  
 که این همه اجازه ندهیم ورود انومبیل را دوسال  
 دیگر معلوم میشود حالا اینجا هم همین حال را دارد  
 انومبیل به این اندازه که آمده است خواهید دید که  
 چه فدوش به آسمان میرود و آخرش دوا آهن پاره برای  
 ما باقی میماند حالا ما متخصص در تجارت نیستیم آمدیم  
 در مسئله نقره چون بنده با اصل لایحه مخالفم یعنی در  
 اصل ورودش مخالفم این است که در ماده اول مطابق قوانین  
 جاریه مجلس بحث در کلیات میکنم ماده اول که مطرح  
 میشود اگر کسی بحث در کلیات داشته باشد میتواند  
 بکند بحث در کلیات این است که اصلاً این امر جایز است  
 یا جایز نیست . بنده اصلاً این امر را جایز نمیدانم بنده  
 ورود نقره را جایز نمیدانم که گمرک را از آن برداریم  
 چرا ؟ برای همین مسئله که عرض کردم که اگر مالی را  
 ما از زبان کردیم آن جنس زیاد میشود و زیاد شدن نقره  
 در مملکت خوب نیست و اگر در مملکت هم طلا باشد  
 هرچه هست صندوقچه میشود و میرود از گمرک خارج  
 میشود و اگر از آباء و اجدادمان مالی مانده باشد به  
 این ترتیب نکلی از بین خواهد رفت . این اساس عقیده  
 بنده است که عقیده ندارم اساساً گمرک از نقره برداشته  
 شود و نقره که حکم جنس و تنخواه را دارد آزاد باشد  
 این اصل عقیده بنده است و البته قوانینی است که در  
 ادوار مختلفه مجلس در مسئله نقره و طلا در مجلس گذشته  
 است این قانونی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته  
 است که : از تاریخ تصویب این قانون ناسه سال خروج  
 طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک بعنوان (کاپوناز)  
 و غیره از سرحدات ایران بکلی ممنوع است این يك  
 قانونی است که خارج شدن طلا و نقره را بکلی  
 منع می کند در واقع آنوقت که ما این نظر را  
 داشتیم بطور کلی نظرم آن نسبت به طلا بود که اطلاع آنان  
 به این جا رسیده بود که بهر ترتیبی که هست هر اندازه  
 که طلا در مملکت پیدا میشود با آن دستهای آهنین و  
 دانهائی آن طلاها را که در صندوقها است بیرون  
 برند و بوسیله قانون نگذاریم آنها از مملکت بیرون



درود داده بودم. این است که مسافری که از خارجه می آید با چه اندازه آزاد هستند بعد از آن که از يك سرحدی خارج میشوند طلا و نقره همراه داشته باشند و آقای هجیمسی هم وزیر مالیه بودند و این ماده بعنوان ماده اصلاحیه در مجلس گذشت. این قانون راجع به دوره چهارم بود که از مجلس گذشت در اول دوره ششم موضوعی که بحث شد این بود که خروج طلا و نقره بخواه بصورت مسکوکات خواه بصورت شمش و خک و امثال آن از سرحد است بکلی ممنوع است ولی همسافر تا میزان دوازده تومان میتواند در موقع عبور از سرحد مسکوک طلا و نقره با خود همراه داشته باشد این ماده دوم است که راجع بخروج اشیاء صنایع طلا و نقره که در این جا راجع به ترویج از صنایع است آن مالیه کارهایی که در ایران هست که هنوز بمحمدالله این را امیدوار هستیم خواهد ماند نه مثل مصنوعات دیگر که از بین میبریم این را امیدواری داریم که هنوز باقی است مال یزد و شیراز بعد هم مجازات متخلف را در قوانینی که در دوره چهارم و ششم گذشته است معین کرده است خوب حالا این قانون میگوید این نقدي که در دنیا حکم جنس را پیدا کرده است و نقد در دنیا امروز طلا است. این جنس را امروز اجازه ورودش را میدهیم و گمرکش را هم بر میداریم در صورتیکه طلا اصل اساس هر مملکتی است و اساس هر مملکتی حکم است به دینار که پول طلا باشد. حالا در این موضوع صحبت نمیکنم و نمیدانم چه میشود چه عرض کنم؟ متخصص در تجارت هم نیستیم نمیدانم که اگر گمرک نقره را برداشتند و آزاد کردند در داخل کردن به مملکت چه ضرر اقتصادی نسبت به ما وارد میشود. اما اساساً میدانم که نقره که حکم جنس دارد حالا که آزاد میشود اصلاً طلائی ما از بین میرود این يك موضوع است که بنده اساساً در اصلش مخالف هستم و عقیده ام این است که نسبت به طلا همانطوری که آقای باستانی اظهار کردند خوب است آزاد بکنیم و نقره

را آزاد نکنیم. و يك ایرادی هم در تقییب عملیات داشتم که بطور شد آقای وزیر مالیه آنکه آرزو راجع بانکه واحد پول را باید طلا قرار بدهیم موافق بودند و من منتظر بودم که آقای وزیر مالیه بلاجه آرا در مجلس بیاورند که ما امروز بولمان را طلا بکنیم. رئیس الوزرای فرانسه که اینهمه افتخارات پیدا کرد برای این بود که پول مملکت را تثبیت کرد به پول طلا و اعتبار پول مملکت خودش را تثبیت کرد تا ما هم تثبیت نکنیم و واحد پول خودمان را طلا قرار ندهیم اقتصاد و تجارت ما نمی تواند رقی بکند. این است که اساساً با این لایحه مخالفیم بعد از مخالفت در اساسش در ماده اول و تبصره اش مخالفیم در ماده دوم و سومش هم مخالفیم مرتضی قلیخان بیات (مخیر کمسیون قوانین مالیه) در قسمت سه فقره قانونی که از مجلس گذشته و آقای آقا سید یعقوب تذکر دادند گمان میکنم این لایحه با آن قوانینی که گذشته اختلاف کلی نداشته باشد اساساً همانطوری که آقای وزیر مالیه هم توضیح دادند مقصود از این لایحه دو قسمت است که این دو قسمت این لایحه را تشکیل داده است. يك قسمت راجع بسکه کردن پول ایران است در خارجه که تا کنون همانطوری گفتند چون ضرابخانه بقدر کافی وسائل نداشت در خارجه سکه میشد و بایران وارد میشد یعنی دولت اجازه میداد سکه میکردند و وارد ایران میکردند ولی حالا ضرابخانه بقدر کافی است و میخواهیم این ترتیب موقوف شود در خود مملکت بقدریکه لازم داریم پول سکه شود و سکه کردن در خارجه و ورودش بموجب این قانون موقوف بشود يك قسمت که در این لایحه با آن قوانینی که سابق بوده است اختلاف دارد قسمت راجع معافیت از گمرک است و الا در قسمت ورود تمام قسمتهائی که در این لایحه بلاخطه میفرمائید با قوانین سابق هیچ اختلافی ندارد. در قوانین پیش ورودش آزاد بود و خروجش هم منع شده بود در این لایحه هم ورود را آزاد کرده و خروج را منع کرده اند. البته فقط خروج

خارجی را با يك قدری توسعه دادیم و همچنین مصنوعات خارجی را با دو الا در قسمت ورود و خروج هیچ تفاوتی با آن قوانین ندارد مقصود همان قسمت گمرک بوده که موافقت با آن معاف بکنند. یکی هم سکه کردن پول ایران در خارجه. این دو قسمت بود. اما در قسمت این که بگفتند مقصود موافق نیستیم که وارد بشود بعقیده بنده اگر امروز نقره وارد نشود دست و پای مردم بسته خواهد شد. زیرا همانطوری که عرض کردم با ضرابخانه که سابق داشته ایم و سکه میکردیم احتیاجات مردم رفع نمیشد و مجبور بودیم که اجازه بدهیم در خارجه سکه بکنند و بیاورند و اگر نقره وارد نشود بکلی کار معاملات و داد و ستد مردم میخوابد و اسباب زحمت کلی برای مردم فراهم میشود. در قسمت طلا که فرمودید دولت فرانسه مدتی است اصل پولش طلا است ما هم این آرزو را داریم در همانطور که آقای وزیر مالیه اظهار کردند متأسفانه تا حال موفق نشده ایم چون يك سرمایه لازم دارد که مملکت بتواند پول خود را طلا بکند و ما امیدواریم بعد ها این موفقیت برسیم و در ظرف دو سه سال دیگر که يك قدری مالیه ما بهتر بشود واحد بولمان را تبدیل طلا بکنیم. البته این منتها آرزوی همه است و هر چه زودتر ممکن بشود البته این اقدام خواهد شد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهاد آقای افشار قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم در ماده اول کلمه (مسکوک) حذف شود رئیس - ماده دوم قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۲ - خروج نقره خواه بصورت مسکوک خواه بصورت شمش و خک ممنوع است باستثناء مصنوعات نقره ایران با خارجه و مسکوک خارجه رئیس مجلس آقای دکتر طاهری پیشنهاد کرد که در کلمات

با ماده اول موقوفش بود چونکه مذاکرات کافی شد دیگر اظهار مخالفتی نکردم. بنده چند چیز را میخواستم سؤال کنم که آقای مخیر لطفاً جواب بدهند و اگر اجازه می دهند در اینماده سؤال کنم. اولاً اینکه چون نقره در دنیا مال التجاره است و جنس است و مناط اعتبار طلا است. علت اینکه ما سعی میکنیم در صورتی که بولمان مینای تراحدش نقره است این جنس زیاد بشود و بالتبعه قیمت طلا بالا برود و بولمان ارزان بشود چیست؟ برای اینکه وقتی نقره زیاد شد ارزان میشود و پول ما هم که نقره است قیمتش ارزان میشود آنوقت بوند که پنج تومان است در مقابل ارزانی نقره پنج تومان و نیم میشود پس ما سعی کرده ایم در ازدیاد نقره و ورود نقره که پول خودمان را تنزل بدهیم در اینصورت ما چرا باید این کار را بکنیم. این را خواستم توضیح بدهند یکی دیگر اینکه تفاوت این معافیت گمرکی به چه مبلغ میشود؟ و آیا در بودجه ۱۳۰۸ این تفاوت رعایت شده یا خیر؟ چون این مبلغ از عایدات گمرکی که کسر میشود البته در جمع و خرج فرق میکنند مبلغ این چه قدر میشود و در بودجه ۱۳۰۸ در کجا منظور شده؟ دیگر اینکه این مبلغ و این لایحه چون در دخل و خرج هم دخالت داشته باشد بکمسیون بودجه هم بیاید تا این قضایا بشود معلوم شود حالا که نیامده است همین جا سؤال میکنم که تفاوتش چقدر است و در کجا منظور شده؟ یکی دیگر اینکه میخواستم سؤال کنم که وارد کننده نقره آیا خود دولت است یا تجار یا مؤسسات خارجی؟ ... کارزونی - همه دکتر طاهری - اگر اینطور است پس علت اینکه دولت از این منفعت صرف نظر میکند چیست و از گمرک این مال التجاره بچه مناسبت باید صرف نظر بشود. بکمو موضوع دیگر این است که فرمودید ورود مسکوک را آزاد میکنم و رواجش را آزاد میکنم در صورتی که ظاهر ماده این طور نیست وقتی که ما ورود نقره را اعم از مسکوک و غیر مسکوک

آزاد نگار داریم خوب دیگر کار نکند بویخته ایم که رواجش آزاد نیست و ما مخالف هستیم که مسکوکات خارجی را اجازه بدهیم بیاید اینجا و رواجش را هم منع نکنیم و در این قانون برای مسکوکات خارجی هیچ منعی نشده است حالا راجع به ماده دوم عرض میکنم در صورتی که نقره مال التجار است و مدهمی میکنیم وارد شود اگر منفعت داشته باشد علتش چه چیز است که خارج نشود؟ خوب اگر این نقره مال التجاره است و صرف میکند وارد شود خارج شدنش هم اگر منفعت دارد خوب است خارج بشود این مؤالائی بود که بنده داشتم و میخواستم جواب داده شود.

وزیر مالیه - قسمت اول مذاکرات نماینده محترم مربوط میشود بیک مطلب خیلی مهم و خیلی طولانی از نقطه نظر قوانین اقتصادی و عمل اقتصادی دنیا که البته از داخل در بحث شدن آن معذورم و شاید هم با مذاکرات ما کاملاً تطبیق نکنند ولی بطور خلاصه تذکرأ به آقا عرض میکنم که ارزان شدن نقره نسبت به طلا یا گران شدن طلا نسبت به نقره این يك قضیه است که مبتنی به داد و ستد بازار عمومی و مقادیر کلی مصرف نقره است در دنیا که اگر اینها را بخواهید در نظر بگیرید مصرف نقره در ایران با زیاد و کم شدن نقره در بازار ایران هیچوجه تأثیری گمان میکنم در اوضاع عمومی ندارد و از این سهولتی که ایجاد میکنیم آقایان متوجه باشند که هیچ تغییري باوضاع نقره از حیث اساس نمیدهد فقط سدی شش گمرك را بر مبدارند درست دقت بفرمائید که در بازار ایران بواسطه برداشتن این سدی شش چقدر نقره زیادخواهد شد؟ و هر قدر نقره زیاد تر بشود آن اندازه ها نخواهد بود که از نقطه نظر عمومی و دنیوی در قیمت پوند یا پولهای دیگری که مبنی بر طلا است تأثیری داشته باشد چنانکه عرض کردم اینها يك قضائاتی که باید خیلی درش دقیق شد و با متخصصین آن حرف زد چون يك چیز هائى است که خیلی بنظر بعید و عجیب میآید حالا بنده عرض میکنم يك مسئله مسلمی را آنوقت به

بیشتر صحبت هست یا نیست. الان نرخ ابوند یعنی لیره انگلیزی را که پول طلا است نسبت به قران موقوفی که مقایسه می کنیم با قیمت واقعی نقره در بازار لندن و به آن علاوه کنیم کرابه و گمرك و حق الضربش را در ضرابخانه می بینیم که تناسب محفوظ نیست چطور محفوظ نیست به نفع و صرفه قران ما است یعنی از روی حساب هائی که میکنند يك لیره طلا در بازار لندن که برای خرید و فروش نقره یکی از اولین همراه دنیا است و نرخ نقره از روی بازار لندن معلوم میشود يك لیره در لندن شصت و یکقران است.

دکتر طاهری - برای این است که نقره در این جا کم است و نقره زیاد میشود تناسب بهم میخورد و زیاد مالیه - آنوقت این نقره وقتی که حق کرابه و حق الضربش را حساب کنید وقتی که این جا میرسد اگر بنا بشود فقط قیمت لیره به تناسب قیمت نقره معین شود میبایستی از پنجاه قران که نرخ عادلۀ امروزه اش است خیلی بیشتر بشود ولی اینطور نیست چرا نیست؟ برای اینکه قیمت لیره به تعبیر نقره تنها وی قران و قیمت نقره نیست و روی مسائل تجارتي است احتیاج برات است و روی رفت و آمد است و روی پولی است که باید وارد شود. اینها تمام يك مواد و عناصری است که در تعیین قیمت ها تفاوت میکنند ولو اینکه بنده این جا عرض میکنم که بازار امروزه ما يك طوری است که نمیشود گفت حتماً قیمتی را که برای لیره اینجامعین میکنند کاملاً تطبیق با موازین اقتصادی دارد. يك اندازه هم ارادات خصوصی يك مؤسسه هم درش مؤثر است ولی با این حال وقتی که ما مراجعه میکنیم به متخصصین و دقت میکنیم این یکی از مسائل مسلمه است که تفاوت قیمت لیره طلا با قران ما تنها عاملش قیمت نقره نیست و يك عوامل دیگری غیر از قیمت نقره موجود است که آنها تأثیر میکند و از آنطرف هم زیاد شدن نقره در بازار ما تأثیر در قیمت دنیوی نقره و طلا ندارد چون بازار ما يك بازاری است محدود و فوق العاده محدود

که وقتی مقایسه اش میکنید با بازار همسایه ما که هندوستان باشد هیچ است. بطور خلاصه بهمشورتهائی که ما کردیم از این حیث که این قانون و بر طرف کردن سدی شش حقوق گمركی به اندازه نقره زیاد میکند در مملکت ما که خطرناک باشد برای مسکوک ما هیچ همچو چیزی نیست. يك نکته دیگر هم آقا فرمودند که مقدار وصولی گمرك از حیث حقوق گمركی چقدر است و با این صرف نظری که ارزش بشود چطور دولت این را تأمین کرده است: متأسفانه زحمت زیادی برای دولت نداشته است که این را تأمین بکند برای اینکه در سال ۳۰۶ هیچ نقره که حقوق گمركی بدهد وارد مملکت نمانده است. در سال ۳۰۷ هم در هشت ماهه اول سال نصد قران با بهبارة آخری نود تومان ما حقوق گمركی داشته ایم و بیشتر از این بوده است. نظر آخری که فرمودند این بود که لایحه ورود مسکوک خارجی را ذکر کرده است ولی عدم رواج مسکوک را ذکر نکرده است اگر توجه بفرمایش بنده فرموده بودید این را اظهار نمیکردید. عدم رواج يك پول خارجی در مملکت يك چیزی است طبیعی و محتاج بقانون نیست و بعلاوه اگر محتاج بیک مقرراتی است مقررات دولتی است. شما قبل از این هم قانونی نداشته اید ولی این کار شده است و در طلب يك مقررات دولتی این مصلحت محفوظ بوده است منتهی در يك موقعی چنانکه تذکر دادند در يك بواقی این مصلحت مقتضی این بوده است که مختصر، تغییري در این وضعیت داده شود آهم داده شده است بعد هم دو مرتبه برگشته. اینها مربوط مقررات جاریه قوه اجرائیه است و محتاج باین نیست که در قانون ذکر بشود بعلاوه این را باید عرض کنیم که ورود مسکوک خارجی هیچوقت منع نبوده است که بحالاً آزاد کنیم مراجعه کنید به تعرفه گمركی مصوبه مجلس مینویسد: مسکوک نقره و طلا که در مملکت گردش رواج دارند اصلاً معاف هستند - علاوه براینکه در اصل معوج نبوده اصلاً از حقوق گمركی هم معاف بوده

است. حالا اگر ملاحظه بفرمائید بنده در لایحه بمسکوک خارجی تذکر داده ام نظرم بآن مسکوک است که رواج ندارد مثل همان ریال هائی که آقای کازرنی اشاره فرمودند که با آنها معامله ششم میشود زیرا حالا آنها صورت مال التجاره پیدا کرده است و سدی شش گمرك از آنها گرفته میشود آنها را بعضی از نقطه نظر مال التجاره خریداری میکنند که قابل تبدیل بقران دو قرانی و پنج قرانی در ضرابخانه باشد با اینکه آبش میکنند و صنوعات داخلی میکنند اینها برای ما مفید است زیرا فراموش نفرمائید که مسکوکات خارجی اکثر مسکوکات نقره اش با اندازه قیمت راجعش نقره ندارد و صرف نمیکند رو بیه را ملاحظه بفرمائید فرانك را ملاحظه بفرمائید شلینگ انگلیسی را ملاحظه بفرمائید اینها هیچکدام با اندازه قیمت راجعی که دارد نقره ندارد. اینها پولهای است که اعتبارش بواسطه قوانینی است که هر مملکت برای آنها مقرر داشته است و در مقابلش طلا موجود است پس رو بفرمونه ملاحظه مینمائید که این اعتراضات به این مواد وارد نیست و اینهم توضیحاتی بود که عرض کردم و البته امیدوارم که جلب موافقت آقایان را هم کرده باشم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد آقای فیروز آبادی  
بنده تبصره دوم را باین نحو پیشنهاد میکنم: تبصره مسافری در موقع خروج از سرحدات مملکت میتواند تا میزان بیست تومان مسکوک نقره همراه داشته باشند پیشنهاد آقای عباس میرزا  
در ماده دو پیشنهاد مینمایم (با خارجه) حذف شود.  
رئیس - ماده سوم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)  
ماده ۳ - مقررات ماده اول قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ راجع بنقره ملغی است بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

فکر میفرمایند که در يك لایحه عادی بالاخره مثل این طرح قانونی که پیشنهاد شده بود چطور آقایان عصبانی میشوند و اگر بنا باشد در روز جلسه تشکیل نشود بنده میدانم چطور خواهد شد و مذاکراتی که بایستی بشود اگر در روز باشد البته مشکل است و لابد آقایان عصبانی میشوند و داد و فریاد میکنند برای اینکه ماه رمضان است و آقایان روزه هستند و نمیشود روزها جلسه تشکیل بشود و بالاخره بهمین ترتیب عادی که همیشه در ماه رمضان معمول بوده باید رفتار شود حالا که دوره هفتم است و بالاخره دوره هفتم است که باشد جلسات ماه رمضان بایستی شب باشد از جراند هم خواهش میکنیم که آنها هم بهمین ترتیبی که همیشه معمول بوده است با ما موافقت کنند بعلوه بایستی ملاحظه فرمایند اعضای ادارات که بیک ترتیبی کار میکنند غیر از مجلس است که باید وضع قانون کند و بایستی افکار آزاد باشد. اصلا روز کسی فکرتش آزاد نیست و نمیتواند کار نکند.

رئیس - رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

وزیر مالیه - لایحه ایست تقدیم میشود راجع تصفیه محاسبات برای سنه ۱۳۰۷ در موضوع تفاوتی که پیدا شده بود بین حقوقیکه بموجب کثرت مستخدمین مالیه مستحق بوده اند و میزان اعتباریکه پیش بینی شده بود چون يك قدری از میزان اعتباریکه پیش بینی شده بود حقوق کثرتانی آنها بیشتر بود لایحه تقدیم شده است که تصفیه آن محاسبات بشود

آقا سید یعقوب - لایحه خرج است

رئیس - در دستور چیزی جز لایحه اعتبار عذلب نداریم. بنا بر این ضرور نمی بینم شب بکشنه جلسه آینده شب چهار شب اول اسفندماه باشد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(مجلس پنج ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس - ماده الحاقیه قرائت میشود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

این بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم  
ماده الحاقیه - ورود هرگونه اسکناس های خارجی بمملکت از سرحدات مدوع و وزارت مالیه مکلف بصیظ آنها خواهد بود فرشی

رئیس - رای گرفته میشود بوزود در شورایی آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان - تنفس

عده از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - اجازه بفرمائید تکلیف این پیشنهاد معلوم شود بعد

(آقای اورنگ پیشنهاد ذیل را قرائت نمودند)

پیشنهاد میکنم جلسات مجلس از يك ساعت بعد از ظهر الی غروب تعیین و تشکیل گردد

اورنگ - بیش از سی امضاء

کازرونی - آقا امضاها را بخوانید

اعتبار - اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم

رئیس - بفرمائید

اعتبار - عرض کنم بنظر بنده نکاتی که این نظر شد این بود یکی خواستیم رعایت کنیم از نقطه نظر جراند که میخواهند فردا اخبار مجلس را بنویسند بعلوه انقلاب هوا از نقطه نظر اینکه شب است و باید رفت و هوا سرد است و نمیشود کار کرد و اسباب زحمت است و یکساعت بعد از ظهر هم تمام تشکیلات مملکت ناغروب دائر است و ما هم کار زیادی نداریم و هفته دو جلسه است که نا آخر ماه بیش از نوبت شش جلسه هم نمیشود اگر آقایان مقتضی بدانند جلسات بعد از ظهر تشکیل شود.

رئیس - آقای رفیع

رفیع - نماینده محترم اگر در نظر داشته باشند در مجالس گذشته هم يك همچو پیشنهادی شد آقا خودشان